

Corona, biosphere and the Life World A sociological study about the mutual relations between man and the environment

Saboktakin, Ghorbanali, Associate profesor of Sociology Department of Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: Saboktakingh@khu.ac.ir

Haghnadri, Iraj, PhD in Cultural Policy, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: irajnadri@gmail.com

Abstract

The central idea of this research is to develop the idea that the growth of capitalism in the second half of the 20th century, along with the performance of economic neoliberalism, has disrupted the desirable relationship between man and his natural environment. So that the recent epidemics, including the spread of the corona virus, are a kind of reflection of the unbalanced relationship between humans and the environment. This article is compiled based on the theoretical perspective of Jürgen Habermas (system-life-world) and documentary and analytical method. The findings show that the spread of the corona virus is a function of the environmental conditions created by humans. The spread of epidemics and the mutation of coronaviruses is due to environmental conditions, mass production systems by multinational companies, unsupervised use of pesticides, and genetic interference in plants and animals. The neoliberal economic vision of profit-oriented commercial agriculture accepts the risk of spreading epidemic viruses. With the spread of the corona virus and its unwanted consequences, such as the restriction of destructive economic activities in the land, air, sea and metropolises, the biosphere has found an opportunity for self-revival. Also, the spread of this virus has created an opportunity for humans to reconsider the destructive consequences of the system (capital and government) in the bio-world, to connect to the planetary metabolism, and consider culture and nature as complementary entities. This insight sheds a new light on the interactive relationship between humans and the environment from the perspective of the world's biology.

Key words

Biosphere, System, Capital-Oriented Economy, Nature, Common Matter, Life of the World.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کرونا، زیست کره و زیست جهان مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در باب روابط متقابل انسان و محیط زیست

قربانعلی سبکتکین^۱، ایرج حق ندیری^۲

چکیده

اندیشه محوری این پژوهش پرورش این ایده است که رشد سرمایه‌داری در نیمه دوم قرن بیستم همراه با عملکرد نئولیبرالیسم اقتصادی، رابطه مطلوب انسان با محیط طبیعی‌اش را برهم زده است، به طوری که اپیدمی‌های اخیر از جمله انتشار ویروس کرونا به نوعی بازتاب‌دهنده رابطه نامتوازن انسان با محیط است. این مقاله با اتکا به دیدگاه نظری یورگن هابرماس (سیستم-زیست‌جهان) و روش اسنادی و تحلیلی تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انتشار ویروس کرونا تابعی از شرایط محیطی ایجاد شده به دست انسان‌ها است. انتشار اپیدمی‌ها و جهش کرونا ویروس‌ها با شرایط محیط‌زیستی، نظام‌های تولید انبوه توسط شرکت‌های چندملیتی و استفاده بدون نظارت از آفت‌کش‌ها و دخل و تصرف‌های ژنتیکی در گیاهان و جانوران است. بینش اقتصادی نئولیبرال نسبت به کشاورزی تجاری سودمحور، ریسک انتشار ویروس‌های همه‌گیر را می‌پذیرد. با شیوع ویروس کرونا و پیامدهای ناخواسته آن از قبیل محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی تخریبگر در زمین، هوا، دریا و کلان‌شهرها زیست کره فرصتی برای خوداحیاء یافته است. همچنین انتشار این ویروس فرصتی پدید آورده است که انسان‌ها در زیست‌جهان پیامدهای مخرب سیستم (سرمایه و دولت) را مورد بازاندیشی قرار دهند، به متابولیسم سیاره‌ای اتصال یابند و فرهنگ و طبیعت را هستی‌هایی مکمل یکدیگر در نظر گیرند. این بینش پرتوی نو را از زاویه زیست جهان به رابطه متعامل انسان و محیط زیست، می‌افکند.

واژگان کلیدی

زیست کره، نظام، اقتصاد سرمایه محور، طبیعت، امر مشترک، زیست جهان.



مقدمه و بیان مسئله

روزهای پایانی سال ۲۰۱۹ جهان شاهد ظهور پدیده‌ای بود که امروز، به یکی از نقاط عطف تاریخ بشر، تبدیل شده است. در این زمان در شهر ووهان از استان هوبه^۱ کشور چین، ویروسی ظاهر شد که اخبار آن با سرعتی فوق‌العاده در سراسر جهان مخابره گشت. این ویروس جدید که کرونا ویروس نام گرفت، با سرعتی سرسام‌آورتر از سرعت مخابره اخبار مربوط به خود، مرزهای کشورهای مختلف را یکی پس از دیگری درنوردید و زندگی همه بشریت را به مخاطره انداخت. برخی افراد، شیوع ویروس کرونا و همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ را به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ بشر به شمار می‌آورند و معتقدند از این پس در بسیاری از نوشته‌ها، مطالعات، سخنرانی‌ها و... تاریخ جهان به دو دوره قبل از کرونا و جهان پساکرونا تقسیم خواهد شد (میری، ۱۳۹۹؛ اسکندریان، ۱۳۹۹؛ صولتی، ۱۴۰۰). در پژوهش‌های متعددی اثرات همه‌گیری این ویروس بر بخش‌های مهم اقتصاد جهانی، نظیر بازارهای مالی، بازار نیروی کار، بازار انرژی و مسافرت و صنعت گردشگری و بخش‌های مهم اجتماعی - روانی و دیگر آثار و پیامدهای آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آمارها از افزایش شدید بیکاری، تورم، فقر و گرسنگی حکایت دارد. قرنطینه‌خانی توأم با اوضاع بد اقتصادی، خشونت خانگی شامل خشونت نسبت به همسر، فرزندان و بزرگسالان را افزایش داده است. این وضعیت می‌تواند گسل‌های موجود در جوامع را فعال کند و آن‌ها را به جنبش درآورد (زندنی‌فر و بدرفام، ۲۰۲۰؛ معیدفر، ۱۳۹۹؛ جلالی، ۱۳۹۹؛ منتی، ۱۳۹۹؛ عسگری و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسنی رنجبرهرمزآبادی، ۱۴۰۰، سبکتکین و همکاران، ۱۴۰۲). از سویی، قرنطینه و الزام به ماندن انسان‌ها در خانه، به منظور قطع زنجیره انتقال کرونا، موجب شد که حیوانات احساس امنیت کنند، از قلمرو طبیعی خود خارج و وارد محدوده‌های شهری و روستایی شوند. کاهش آلودگی صوتی و آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌واسطه کاهش تردد خودروها و تعطیلی موقت کارخانه‌ها، نیز از دیگر اثرات مثبت شیوع کرونا است که به بهبود کیفیت هوا و کاهش پیامدهای گرم شدن کره زمین کمک کرده است (ملکیان، ۱۳۹۹). همچنین، باعث منع تجارت و فروش و مصرف گوشت حیوانات وحشی گردیده است (مشهدی، ۱۴۰۱). البته در عرصه‌های انسانی علاوه بر سویه منفی می‌توان به افزایش همبستگی، شفقت و مهربانی در سطح محلی و جهانی توجه نمود. در فضای خود قرنطینگی فرصتی برای نگرستن

به خویشتن و تأمل در خود فراهم شده است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با گزارش فعالیت‌های انسان دوستانه نوعی «حس مشترک»، «امر مشترک» یا «زبان مشترک»ی خلق کرده‌اند که حوزه‌های عمومی در سطوح محلی، ملی و جهانی را فعال‌تر کرده است. این‌ها به نوبه خود باعث شده است انسان امروزی درباره عملکردهایش نسبت به طبیعت و محیط زیست و روندهای تخریب آن بازاندیشی کند و به بدیل‌هایی برای آینده جهان بیندیشد (فاضلی، ۱۳۹۹).

کرونا ویروس‌ها نوعی از ژئونوزها (بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان) هستند. این بیماری‌ها ۶۰ درصد از کل بیماری‌های عفونی و ۷۰ درصد از بیماری‌های نوظهور را شامل می‌شوند. کووید ۱۹، سارس، مرس، ایدز و آنفولانزای مرغی و خوکی همگی از انواع ویروس‌های حیوانات هستند که بعد از تغییراتی قابلیت ایجاد عفونت در انسان را دارا می‌شوند. عواملی چون جنگل‌زدایی، تغییر کاربری عرصه‌های طبیعی، مقاومت میکروبی در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها، قاچاق حیوانات، فروش جانوران در بازارهای محلی، نگهداری حیوانات در مراکز غیراستاندارد، دامپروری سنتی و تغییرات اقلیمی مجموعه عواملی هستند که موجب ظهور و انتشار ژئونوزها می‌شوند (WHO, 2020). این بحران همچون همه بحران‌های دست‌ساخت بشر نتیجه بی‌انضباطی بشر است که به سیطره لجام‌گسیخته‌اش بر طبیعت تأمل نکرد و جان و جسم جهان را در خطری بی‌پایان قرار داد (فاضلی، ۱۳۹۹). فرانک اسنودن، مورخ بیماری‌های همه‌گیر، می‌نویسد: «بیماری‌های همه‌گیر، رخدادهایی تصادفی نیستند که جوامع را به ناگهان و بدون هشدار درگیر خود کنند». درست به عکس، برای فهم آسیب‌های پیش روی هر جامعه، باید ساختار سیاسی، سطح زندگی افراد و به‌طور کلی ساختار آن را درک کرد (کوتینز، ۱۳۹۹). بر این اساس مقاله حاضر بر روی دو محور تمرکز دارد:

۱. بررسی علل و زمینه‌های مختلف پیدایش کرونا ویروس - کووید ۱۹ از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، محیط‌زیستی و سیاسی؛

۲. پیامدها و تغییراتی که در بینش‌ها و نگرش‌های جهانیان به‌ویژه صاحب‌نظران اجتماعی نسبت به جامعه، طبیعت و رابطه متقابل آن‌ها با همدیگر به وجود آمده است؛ بنابراین دو محور فوق‌الذکر یعنی چرایی و چگونگی ظهور این پدیده در جهان، برخی آثار آن و چگونگی برون‌رفت از آن مسئله این مقاله است که با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی انجام گرفته است. مفروضه نظری- تحلیلی این مقاله نیز این است که به هم

خوردن رابطه متعادل جامعه و طبیعت و دستکاری‌های بی‌حد و حصر و نابه‌جای انسان در فرایندهای طبیعی، زمینه‌های پیدایش و انتشار ویروس کرونا را فراهم کرده است. این همه‌گیری به دنبال خود تغییرات و تحولاتی را در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی و سیاسی به وجود آورده است. مسئله مذکور در یک چارچوب نظری - تحلیلی ملهم از نظریه «سیستم - زیست جهان» هایرماس مورد مطالعه قرار گرفته است.

هدف پژوهش پیش‌رو در چگونگی ظهور ویروس کرونا - کووید ۱۹ از منظر دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی محیط زیست است. لذا در پی پاسخ به این سؤالات است که از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، زیست‌محیطی و سیاسی چه عواملی موجب ظهور و انتشار سریع این ویروس در سطح جهان شده است؟ همچنین ظهور این بحران چه تغییراتی در بینش‌ها و نگرش‌های اندیشمندان در پی داشته است؟

پیشینه پژوهش

همچنان که در مقدمه مطرح شد، در ارتباط با پیامدهای انتشار ویروس کرونا پژوهش‌های متعددی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته خواهد شد:

مختاری و همکاران (۱۳۹۹) و شاهد حق قدم (۱۳۹۹) در تحقیقاتی اثر اخبار و اطلاعات متنوع و چندگانه را بر مردم، کادر درمانی، بیماران و خانواده‌های آنان مورد بررسی قرار داده‌اند و نتیجه می‌گیرند انتشار اطلاعات متنوع و متناقض سلامت افراد، خانواده‌ها و کادر درمان را در دوران کرونا کاهش داده است.

زارع گاوگانی (۱۳۹۹) استدلال می‌کند پژوهشگران معتقدند انتشار کرونا ویروس به جای یک اپیدمی در واقع یک اینفودمی است که باید کنترل شود. در واقع امروزه باورهای غلطی درباره این ویروس اذهان مردم را درگیر کرده است که از نظر روانی، فکری و روحی محصول پراکنش اطلاعات نادرست است.

سوری و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت سلامت روانی کاربران شبکه‌های اجتماعی در دوره شیوع بیماری کووید-۱۹» انجام دادند. نتایج نشان دهنده نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی کلی شرکت‌کنندگان است. صفری (۱۴۰۰) در پژوهشی با موضوع «اینفودمی کرونا در رسانه‌های اجتماعی فارسی» به مطالعه نحوه انتشار خبر جعلی «ایران: آلوده‌ترین نقطه به کرونا در جهان» به عنوان نمونه‌ای از اخبار جعلی مرتبط با گسترش کرونا، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر گسترش شایعات و اخبار جعلی شامل مواردی چون عدم دسترسی به اطلاعات موثق، وجود توهم توطئه،

دیدگاه امنیتی حاکم بر امور در کشور در کنار برخورد حذفی، تضاد و تناقض میان ادعاهای نهادهای مرجع در جامعه و بی‌اعتمادی به منابع رسمی خبری است.

خانیکی و راثی تهرانی (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان «نظریه‌سازی برای اینفودمی کووید ۱۹» انجام داده‌اند. پایین بودن سطح سواد سلامت و سواد رسانه‌ای کاربران، تقابل میان طب سنتی و طب مدرن، بی‌اعتمادی مردم به دولت، اختلال فرایندهای ارتباطی در رسانه‌ها و اتخاذ سیاست‌های نادرست از سوی دولت باعث ایجاد اینفودمی در شبکه‌های اجتماعی شده است. مهم‌ترین پیامد در حوزه اجتماعی- فرهنگی، از دست رفتن سرمایه اجتماعی بیان شده است.

احمدی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «ترومای کرونا: از بیماری تا فاجعه در مناطق کم برخوردار» در شهر سمنج انجام داده‌اند. براساس یافته‌ها اثرات اجتماعی و فرهنگی بیماری عبارت‌اند از: واگرایی جمعی، آنومی اجتماعی، بازنمود ناکارآمدی نظام حمایت اجتماعی، تنگناهای معیشتی، استحاله دین و گزاره‌های دینی، گسست معرفتی- فرهنگی، بحران در نظام آموزشی و ترومای روحی- روانی.

ژانگ اف^۱ (۲۰۲۰) درباره سلامت روان اعضای خانواده پرسنل ۵ بیمارستان در کشور چین طی انتشار بیماری کووید - ۱۹ انجام داده است. یافته‌ها نشان از افزایش اختلالات روان‌شناختی همچون اضطراب و افسردگی در بین کارکنان این بیمارستان‌ها دارد.

یافته‌های پژوهش اسپینلی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) حاکی از اثرگذاری شرایط محیطی خانه، مسائل والدین در اثر قرنطینه، فهم والدین از استرس و مسائل عاطفی و رفتاری کودکان را در زمان انتشار ویروس کرونا است.

ژانگ و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در چین به مطالعه اثر گسترش ویروس کرونا بر سلامت روانی و کیفیت زندگی افراد بالای ۱۸ سال این کشور پرداختند. آن‌ها دانش، نگرش و رویه‌های مواجهه با این ویروس را از نظر مردم مورد مذاقه قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده آن است که نیمی از افراد موردبررسی از گسترش این ویروس دچار وحشت، غم و ناراحتی شده‌اند.

مرور تحقیقات مرتبط با کرونا نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، پیامدهای اینفودمیک- روانی، اجتماعی و اقتصادی همه‌گیری آن را به بررسی گرفته‌اند. با وجود اینکه تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با اثرات انتشار ویروس کووید ۱۹ در

جای جای جهان انجام شده است، تاکنون کمتر پژوهشی ظهور و انتشار این ویروس را از لحاظ نظری بررسی کرده و آن را به عنوان پیامد زیاده‌خواهی‌های انسان در دوران مدرن مورد مطالعه قرار داده است، لذا هدف مقاله حاضر پر کردن این حفره است.

روش پژوهش

هدف پژوهش پیش‌رو تحلیل نظری رابطه انسان با محیط زیست و پیامدهای نامطلوب فعالیت‌های انسان بر محیط زیست، از منظر دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی محیط زیست است. لذا از روش‌های تجربی کمی یا کیفی و تکنیک‌هایی همچون مصاحبه یا پرسش‌نامه استفاده نمی‌کند. بلکه از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری و تحلیل دیدگاه‌های مرتبط با موضوع استفاده کرده است. به عبارتی این پژوهش مقاله‌ای نظری - تحلیلی است که از استدلال منطقی برای ارتباط و نتیجه‌گیری از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان این حوزه استفاده است.

ملاحظات نظری: زمینه‌ها و پیشینه تاریخی و جامعه‌شناختی

رابطه جامعه با طبیعت

اندیشمندان جامعه‌شناسی تاریخی زیست‌محیطی (هانینگن، ۱۳۹۳؛ داسمن، ۱۳۷۷؛ ساتن، ۱۳۹۷) استدلال می‌کنند، به‌طور کلی رابطه انسان با محیط طبیعی به دو شکل و در دو دوره زمانی بروز یافته است. روزگار ابتدایی زندگی انسان، یعنی دوره‌ای که انسان مقهور طبیعت محسوب می‌شود؛ در این دوره انسان به دنبال گردآوری خوراک و مایحتاج خود از طبیعت است و هنوز به ابزارسازی‌های وسیع دسترسی پیدا نکرده است که بر طبیعت تأثیر فراوانی داشته باشد. انسان این دوره را «انسان گردشگر» یا «انسان گردآور» نام می‌نهند. به تدریج و با گسترش انقلاب کشاورزی، انسان‌ها ارتباط نزدیک‌تری با طبیعت برقرار کردند. جوامع انسانی با تلقی طبیعت به‌عنوان منبع حیات با آن رابطه‌ای متعادل برقرار کرده و مسامحت‌ها با هم یکی شده و تداوم حیات یکدیگر را تضمین نمودند. انسان این روزگاران «انسان کشاورز» نامیده می‌شود. انسان کشاورز بدون آسیب رساندن به طبیعت روزگار می‌گذرانید. در دوره تاریخی دوم، جوامع انسانی به تدریج توسعه پیدا کردند و تحولات اقتصادی، فنی و اجتماعی و در پی آن وقوع انقلاب صنعتی، رابطه جوامع انسانی با طبیعت و محیط زیست را دگرگون نمودند. این رابطه متقابل به تدریج از شکل تعادل خارج شد و به سویی رفت که انسان

(به معنای انسان‌شناختی و عام آن که معنای جامعه را هم در برمی‌گیرد) احساس تسلط بر طبیعت پیدا کرد. از این پس به مرور که قدرت ابزارسازی انسان توسعه پیدا کرد، میزان قهر آن بر طبیعت نیز افزایش یافت. در این دوره است که آن رابطه متقابل به تأثیر یک‌طرفه و تخریبی انسان بر طبیعت شدت گرفت. انسان این دوره را با مسامحه «انسان صنعتگر» می‌نامیم.

زیست کره و ابعاد آن

مسئله اجتماعی مورد بحث در این مقاله در اوج تحول و تکامل (انقلاب صنعتی) دوره دوم زندگی انسان پدیدار شده است و به فضای حیاتی و زیستی جامعه انسانی مربوط می‌شود. لذا ضروری است شرایط تاریخی و زیست‌محیطی جوامع انسانی در این دوره بیشتر تشریح و تحلیل گردد؛ زیرا از سویی تغییرات وسیع در محیط طبیعی با اجتماع انسانی و بالطبع علوم انسانی و علوم اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد (Newby, 2001) و از سوی دیگر، جوامع انسانی برای ادامه حیات به طبیعت و محیط زیست وابسته‌اند. محیط طبیعی برای انسان‌ها همان کره زمین یا «زیست کره» و سطوح سه‌گانه - خاک کره، هواکره و آب کره - است. منظور از «زیست کره» یک‌لایه حیات آفرین است که در اصطلاح علمی «بیوسفر^۲» خوانده می‌شود. محیط زیست جزئی از این زیست کره است. محیط زیست عبارت است از آنچه فرایند زیستن را احاطه کرده و در خود فروگرفته و با آن کنش متقابل قرار دارد. محیط زیست همه چیز را در برمی‌گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه بین این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر داشته و از آن نیز متأثر می‌شود (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵). زیست کره را در بوم‌شناسی انسانی به سه بخش مرتبط با هم تقسیم می‌کنند: بخش اول، «وابسپهر» است که در اصطلاح علمی به آن «اتموسفیر^۳» گفته می‌شود. این بخش شامل فضای بالای سر ما را تا صدها کیلومتر شامل می‌شود که خود اجزا و کارکردهایی دارد. بخش دوم، «آبسپهر» است که در اصطلاح علمی «هیدروسفر^۴» خوانده می‌شود. این بخش آب‌های سطحی روی زمین تا اعماق اقیانوس‌ها را در برمی‌گیرد. بخش سوم، «خاکسپهر» است که در اصطلاح علمی به آن «لیتوسفر^۵» گویند. این بخش قشر جامد

1. Technology
2. Biosphere
3. Athmosphere
4. Hydrosphere
5. Lithosphere

روی کره زمین اعم از خاک، سنگ، فلزات و دیگر اشیاء و اجسام جامد را دربر می‌گیرد. در بقای این لایه حیات آفرین (زیست کره) همه عناصر هستی (نور، آب، آتش، زمین، خاک و دیگر موجودات زنده و غیرزنده) به نوعی به ایفای نقش می‌پردازند.

محیط زیست و انقلاب صنعتی

به این ترتیب، همه عناصر حیات (زنده و غیرزنده) به هم پیوسته‌اند. ساتن در این باره می‌افزاید، رابطه میان جوامع انسانی و محیط طبیعی به طور اجتناب‌ناپذیری شکل یک فرایند دوطرفه به خود می‌گیرد. اگر انسان‌ها بخواهند به حیات خود ادامه دهند نمی‌توانند این رابطه را از بین ببرند. انسان‌ها همانند دیگر حیوانات برای بقای خود به محیط طبیعی وابسته‌اند و هرگز نمی‌توانند از رابطه متقابل خود با آن طفره بروند. انسان‌ها برخلاف دیگر حیوانات برای کسب منفعت از محیط طبیعی تلاش کرده‌اند، بیش از پیش بر آن تسلط داشته باشند، حتی اگر این تسلط به تخریب بخش‌هایی از محیط طبیعی منجر شود که دیگر جانوران به آن وابسته‌اند (ساتن، ۱۳۹۷: ۲۷). این بحث نقطه آغاز ارتباط تغییرات بی‌رویه و دخالت نابجای انسان در طبیعت با بروز ناهنجاری‌های زیستی-اجتماعی مانند به وجود آمدن ویروس کرونا و انتشار آن در سطح جهان است. بسیاری از صاحب‌نظران ریشه دستکاری‌های ناروا در طبیعت را به افزایش توان ابزارسازی انسان بعد از انقلاب صنعتی و احساس قدرتمندی و تسلط بر طبیعت ارجاع می‌دهند. گلد اسمیت، در تشریح این پدیده استدلال می‌کند که جهان دیگری ساخته شده است. وی دنیای جدید انسان‌ها را «جهان جانشین» نام نهاده و معتقد است این جهان با جهان واقعی در رقابتی شدید به سر می‌برند (اسمیت، ۱۹۹۸). نظام‌های سیاسی-اقتصادی سودمحور با استفاده از دستاوردهای انقلاب صنعتی در پی تولید جدید برای مصرف جدید و کسب سود جدید هستند. پیامدهای تخریبی انقلاب صنعتی بر طبیعت چنان عظیم بوده است که برخی جامعه‌شناسان معتقدند تحولات سریع در رابطه انسان‌ها و طبیعت نتیجه انقلاب صنعتی حدود ۳۰۰ سال پیش است و آن را تأسف‌بار و مؤید مخرب‌ترین توسعه اجتماعی با نگاه «بوم‌شناختی»^۱ می‌دانند که تا به حال مورد ملاحظه قرار گرفته است. یکی از ادعاهای اصلی فعالان و متفکران محیط زیست این است که تمدن صنعتی علت اولیه تخریب گسترده محیط زیست و انقراض گونه‌هاست که ما را به مرز یک بحران بوم‌شناختی

در مقیاس جهانی کشانده است (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۱۰۶). روند چرخه تولید در اکثر نظام‌های سیاسی-اقتصادی نئولیبرال در جهان امروز بر همان اخلاق منبعث از انقلاب صنعتی می‌چرخد. به این معنا که باید بر طبیعت مسلط شد و با دستکاری‌های متجاهرانه در اصالت طبیعت و از بین بردن تنوع‌ها^۱ ارزش افزوده تولیدات را به‌طور انباشتی تضمین نمود. اسلاوی ژیتک^۲ از اندیشمندان علوم اجتماعی محیط زیست گرا ضمن صحنه‌گذشتن بر دخالت‌های نابجای انسان‌ها با استفاده از فناوری صنعتی که باعث به وجود آمدن ویروس‌هایی چون کرونا می‌شود، بر این عقیده است که این روند مخرب فنی-اقتصادی قبل از ظهور کرونا هم مشغول هدم طبیعت و ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی شدید بوده است؛ مانند ایجاد آلودگی‌های مختلف که مهم‌ترین آن‌ها آلودگی آب‌وهوا است. از دیدگاه وی تنها در صورتی می‌توانیم با ویروس کرونا بجنگیم که پایه‌پای آن با سردرگمی‌های ناشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری مبارزه کنیم و آن را جزئی از پیکار بوم‌شناختی سراسری به شمار آوریم. از دیدگاه وی، همان‌طور که کیت جونز، رئیس بوم‌شناسی و تنوع زیستی در کالج دانشگاهی لندن بیان نمود، سرایت بیماری از حیات وحش به انسان، «هزینه پنهان توسعه اقتصادی است». وی می‌افزاید، شمار انسان‌ها در همه حوزه‌های محیط‌زیست بیشتر و بیشتر می‌شود. انسان‌ها عمدتاً وارد محیط‌هایی بکر و دست‌نخورده می‌شوند و بیش‌ازپیش در معرض بیماری‌های جدید قرار می‌گیرند. ما مشغول خلق زیستگاه‌هایی شده‌ایم که ویروس‌ها هر چه آسان‌تر در آن‌ها منتقل می‌شوند. سپس هنگامی که با ویروس‌هایی جدید مواجه می‌شویم متعجب می‌شویم (ژیتک، ۱۳۹۹). انقلاب صنعتی به‌عنوان پدیده‌ای فنی-اقتصادی در خدمت نظام سرمایه‌داری، شرایط اجتماعی جدیدی را به وجود آورده است که آسیب‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری را به زیست‌جهان انسان‌ها وارد کرده است. انتشار ویروس کرونا نیز به‌عنوان نوعی آلودگی^۳ در راستای همین تحولات فنی و اقتصادی و در نتیجه فشار فزاینده بر طبیعت ارزیابی می‌شود. داسمن^۴ تأثیر فعالیت‌های انسان بر زیست کره را به دو دوره گذشته‌های دور و عصر جدید تقسیم می‌کند. اثر آدمی در گذشته بر محیط زیست، با اکتشافاتی همچون آتش، صید، اهلی ساختن گیاهان و حیوانات و استفاده از جنگل، خفیف و متعادل بوده

است؛ اما در عصر جدید یعنی بعد از انقلاب صنعتی و آثار ناشی از آن این تعادل به هم خورد. نیاز شدید به مواد خام و بهره‌گیری بی‌رحمانه از منابع طبیعی، گسترش شهرنشینی و پیدایش شهرهای بزرگ، مادر شهرها و کلان‌شهرها، نقش اصلی و اولیه را در ایجاد انواع آلودگی داشته است. آلودگی را می‌توان به این گونه تعریف نمود، اضافه شدن ماده یا صورتی از انرژی (گرما، صدا، رادیواکتیو و ...) به محیط که بالقوه برای جانداران زیان‌آور باشد، البته با نرخی سریع‌تر از آنچه محیط می‌تواند خود را با آن همساز سازد (داسمن، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

درباره تلاقی طبیعت و اجتماع

مقاله پیش‌رو ظهور و شیوع بحران کرونا و ویروس را در تلاقی طبیعت و اجتماعات انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ لذا تلاش دارد ابعاد فنی، اقتصادی و سیاسی اجتماعات انسانی را در شکل‌گیری مسئله مورد نظر مورد توجه قرار دهد. از نظر فنی و فناوریانه، نقش علوم تجربی به‌ویژه زیست‌شناسی و تغییرات بیولوژیک از نظر اقتصادی و ایجاد تغییرات جدید در روابط میان تولید و مصرف در جهت منافع صاحبان سرمایه؛ از نظر سیاسی هم سیاست‌های راهبردی قطب‌های مختلف سیاسی و رقابت‌های ایدئولوژیکی آنان برای گسترش و تحکیم هژمونی ملی و فراملی خود، قابل مشاهده است. به این ترتیب تحلیل مسئله چندبعدی مورد نظر نیازمند استفاده از دیدگاه‌های نظری اندیشمندان متفاوتی است. در این میان از فرانک اسنوندن محیط‌شناس تاریخی و جامعه‌شناسی همچون دیوید هاروی^۱، اسلاوی ژیتک، الیش بک، آنتونی گیدنز و هابرماس استفاده شده است. این اندیشمندان هرکدام به طور مستقیم یا غیرمستقیم از چشم‌اندازی سیاسی - اجتماعی به موضوع نگریسته‌اند. آلن بدیو در این باره بیان می‌کند، اپیدمی این پیچیدگی را دارد که همواره نقش مفصل را بین تعیین‌های طبیعی و تعیین‌های اجتماعی ایفا کند. صعود سرمایه‌داری دولتی چین به رتبه امپراطوری، حضور قوی و فراگیر در بازارهای جهانی از تعیین‌های اجتماعی موضوع است. بدین ترتیب، در چین (با وضعیت باستانی/ مدرن) وضعیتی همچون تلاقی طبیعت - جامعه مشاهده می‌شود. در آنجا شاهد بازارهایی با شرایط نامساعد و به سبک و سیاق کهن هستیم که منشاء بروز عفونت‌ها است و انتشار جهانی کرونا و ویروس از این نقطه که زاییده بازار جهانی سرمایه‌داری متکی بر گردش‌های پرشتاب و مداوم آن است (بدیو، ۱۳۹۹: ۵-۶).

فرانک اسنودن موضوع ارتباط بین پدید آمدن اپیدمی با نوع اقتصاد و همچنین سیاست یک جامعه و ارتباط سیاست با طبیعت را مطرح می‌کند. او بیان می‌کند بیماری‌های عالمگیر رویدادهایی تصادفی نیستند که ناگهانی و بدون هشدار، جوامع را به مخاطره اندازند، بلعکس، هر جامعه‌ای آسیب‌پذیری‌های خاص خود را به بار می‌آورد. مطالعه اپیدمی‌ها مطالعه ساختار جامعه است، فهم الگوی معیشت و اولویت‌های سیاسی آن جامعه است. اپیدمی‌ها همچنین رابطه ما را با محیط بازتاب می‌دهند. محیط مصنوعی که ما خلق می‌کنیم و محیط طبیعی که نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. میکروب‌ها به‌طور انتخابی گسترش می‌یابند، آن‌ها در موقعیت مناسب اکولوژیکی که انسان‌ها ایجاد کرده‌اند خودشان را اشاعه می‌دهند (اسنودن، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۴).

در تشریح استدلال اسنودن می‌توان گفت، در رابطه بین جامعه، طبیعت و سیاست، قانونمندی حاکم است. هر رویه یا الگوی ارتباطی بین آن‌ها، وضعیت یا سرنوشت خاصی را رقم می‌زند. اگر جامعه یا افراد انسانی با استفاده از نهاد سیاسی یعنی نهاد سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز، یک‌جانبه بر محیط طبیعی فشار مضاعف وارد آوردند و با دخالت‌ها و دستکاری‌های غیرمتعارف در طبیعت موجب تخریب و خروج آن از حالت تعادل شوند، می‌بایست انتظار جاری شدن جنبه‌ای از این قانونمندی را داشته باشند.

دیوید هاروی صاحب‌نظر دیگری است که درباره ارتباط مسائل اقتصاد، سیاسی و زیست‌محیطی نظریه‌پردازی کرده است. وی مانند ژیک با بینش‌های چپ‌گرایانه، بر آن است که در گسترش ویروس کرونا قبل از اندیشیدن به جنبه‌های پزشکی آن، جنبه‌های سیاسی و اقتصادی حیات انسانی است که دچار اختلال خواهد شد. او الگوی پیچیده رشد و حیات سرمایه‌داری معاصر را در رابطه اقتصاد، فناوری، سیاست و فرهنگ جستجو می‌کند. چنانکه خود می‌گوید: «الگوی سرمایه‌داری معاصر را درزمینه وسیع‌تری تجسم می‌کنم که در بستر بازتولید اجتماعی (خانوارها و اجتماعات)، در رابطه متابولیک و مستمر و همواره متحول با طبیعت (همانند تولد و رشد شهری و محیط مصنوع) و تمام عادات فرهنگی، علمی (دانش - بنیاد)، مذهبی و صورت‌بندی‌های اجتماعی ممکن که جمعیت‌های انسانی عموماً در طول مکان و زمان ایجاد می‌کنند، قرار گرفته است. به چند دلیل وقتی برای اولین بار خبر انتشار این ویروس را در چین شنیدم بی‌درنگ به تبعات آن برای پویایی جهانی انباشت سرمایه فکر کردم» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۰). وی نیز موضوعات فناوری و اقتصاد سرمایه‌داری را با سیاست، محیط‌زیست و فرهنگ پیوند زده و تحلیلی تلفیقی از پدیده ارائه می‌دهد. به‌طوری‌که طبیعت و بواطن و تظاهراتش را آمیخته با نحوه

تفکر و کنش متقابل انسان‌ها بررسی می‌کند و بیان می‌کند: «من مخالف ایده «طبیعت» به‌عنوان چیزی بیرون و مجزا از فرهنگ، اقتصاد و زندگی روزمره مردم بوده‌ام و نگرش دیالکتیکی و نسبی از ارتباط متابولیک فرهنگ با طبیعت دارم» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۳). بر این اساس او زمینه‌های دوگانه‌ای را در بروز و گسترش ویروس کرونا در نظر می‌گیرد. ابتدا، شرایط زیست‌محیطی مناسب که زمینه را برای جهش ویروس فراهم می‌کند. به عنوان مثال او از بخش جنوبی رودخانه یانگ تسه چین یاد می‌کند. از طرف دیگر نظام‌های تولید انبوه مواد غذایی در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی را از آن جهت مورد تأکید قرار می‌دهد که از آنتی بیوتیک‌ها بر روی گیاهان و جانوران به‌صورت گسترده استفاده می‌کنند. به‌علاوه بی‌سامانی در نظام‌های عرضه و عدم نظارت در حاشیه جنگل‌ها و رودخانه‌ها از جمله رودخانه نامبرده، به چنین جهش‌هایی منجر می‌شود. از دیگر شرایط مناسب برای انتشار این ویروس از نظر هاروی، شرایط مطلوب انتقال سریع آن در بدن میزبانان است. از نظر وی جمعیت‌های انسانی زیاد و تراکم بالای آن‌ها شرایط میزبانی از این ویروس را به راحتی فراهم می‌کنند. مزید بر علت، حجم گسترده سیروسفرها در جهان جهانی شده امروزی است. از دید هاروی جهانی شدن گسترده توقف و توقیف سریع بیماری‌های ناشی از ویروس‌ها را غیرممکن می‌سازد. به این ترتیب از نظر هاروی بلایای طبیعی به معنای حقیقی آن وجود ندارد و این خود انسان‌ها هستند که با نظام‌های بهره‌برداری اقتصادی و فرهنگی خود جهش ژنتیکی ویروس‌های عالم‌گیر را فراهم می‌کنند. به معنای دیگر، اعمال و شیوه زندگی آن‌ها و روابطشان سفیر ویروس می‌شود.

نقش جهانی شدن در انتشار ویروس کرونا

تحلیل مکانیسم‌های اثرگذاری جهانی شدن^۱ بر انتشار ویروس کرونا نیازمند آشنایی با این مفهوم و برخی نظریه‌های توضیح‌دهنده آن است. جهانی شدن مفاهیمی چون «فشرده‌گی جهان»، «افزایش وابستگی و درهم‌تنیدگی بخش‌های مختلف جهان»، «پهناتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی»، «کاهش هزینه‌های تحمیل شده توسط فضا و زمان» را در برمی‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۹). گیدنز جهانی شدن را «وابستگی متقابل فزاینده جامعه جهانی» توصیف می‌کند. او جهانی شدن را محصول بر هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۵۸). به گفته گیدنز مفهوم جهانی شدن را می‌توان به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی تبیین کرد که مکان‌های دوردست

را به گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که به‌موجب آن، رویدادهای محلی تحت تأثیر حوادث مناطقی شکل می‌گیرند که کیلومترها از هم و از محل موردنظر فاصله دارند (Giddens, 1990: 64). «جهانی شدن به مثابه یک مفهوم از یک سو به فشرده شدن جهان و وابستگی متقابل اجزاء آن اشاره دارد؛ و از سوی دیگر به تقویت آگاهی از جهان به‌منزله یک کل» (Robertson, 1992: 8). ظهور ویروس کرونا در یک نقطه از جهان و انتشار سریع آن به دیگر مناطق دور دست جهان و متأثر ساختن زندگی روزمره افراد در جای‌جای جهان و الزام به برزو رفتارهایی مشابه، بازنمایی عینی این تعاریف است.

در مبحث جهانی‌شدن آنچه در نظریه‌های اندیشمندان (نظریه‌های پشتیبان این مقاله) به آن اشاره شده است رابطه جهانی شدن و مسائل زیست‌محیطی است. علاوه بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن، بُعد زیست‌محیطی آن از موضوعات و مسائل مهم روز است؛ زیرا در فرایندهای جهانی شدن مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی‌های مختلف شکلی جهانی به خود گرفته‌اند. این‌گونه مسائل از اختیار دولت-ملت‌ها خارج شده و نیازمند اخذ تصمیماتی فراملی‌اند. مثالی که گولد بلات برای این مورد می‌آورد باران‌های اسیدی است. وی از هدم منابع زیست‌محیطی یاد می‌کند که در بین ملل مختلف جنبه‌هایی مشترک یافته‌اند. از قبیل آلودگی اقیانوس‌ها، آلودگی هوا و ... که به جای‌جای جهان سرایت می‌کند. او آثار این پدیده‌ها را - گسترش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین در دیگر نقاط جهان- را در قالب جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌دهد (Blatt, 1997). همچنان که مشاهده شد، دیوید هاروی نیز جهانی شدن را در سرایت و سیر ویروس کرونا شدیداً مؤثر می‌داند. هاروی در ادامه مباحث «نظام جهانی» والرشتاین و تلفیق اقتصاد و سیاست، مسائل زیست محیطی را به عنوان پیامد شیوه عمل در ارتباط با دو نهاد مذکور در یک رویکرد تحلیل مارکسیستی نگریسته و با وضع اصطلاح «پسامدرنیته انعطاف‌پذیر»، محیط زیست را قربانی جریان گردش سرمایه بین شرق و غرب قلمداد می‌کند (Harvey, 1989).

آنتونی گیدنز جهانی شدن را نتیجه یا تداوم مدرنیته می‌داند. او از نتایج و آثار نامطلوب آن بر تغییرات روابط اجتماعی و زیست محیطی غافل نیست. وی معتقد است با جهانی شدن، نظام سرمایه‌داری هم جهانی می‌شود. صنعت و کنترل فناوری فراتر از مرزهای دولت-ملت رفته و در اقصی نقاط عالم و در زوایای زندگی مردم تأثیر می‌گذارد (Giddens, 1990). به دنبال آن نظریه سیاست فرهنگی اولریش بک علیرغم

تفاوتی که در نقطه آغاز با گیدنز دارد، از بسیاری جهات شبیه آن است. یک از این جهت مشهور است که توجه جامعه شناسان را به این نکته معطوف می کند که ویژگی زندگی اجتماعی معاصر دارای تعداد بی سابقه ای «خطرات مصنوع» است که بسیاری از آن ها، نظیر آلودگی زیست محیطی یا جنگ هسته ای دارای مقیاس جهانی هستند و هنوز امکان تشدید آن ها وجود دارد. در نگرش یک «جامعه خطرپذیر» ابعاد جهانی دارد؛ زیرا خطراتی ایجاد می کند که به فضا و مکان محدود نیستند (نش، ۱۳۸۰: ۹۳). یک طبیعت عام (به تعبیری زیست کره) را موجودی زنده اما بی زبان می داند که علیرغم ضربات و صدماتی که به او وارد می شود صدایی از او به گله و شکایت باز نمی شود؛ اما نیاز است که آگاهان و انسان های معترض صدای او باشند. به این معنا که مباحث زیست محیطی حداقل به اندازه دیگر مسائل اجتماعی در سطح جهانی، اهمیت یافته و بیان شوند (Beck, 1996).

۵. استنتاج از چارچوب نظری - تحلیلی

۱/۵. کرونا در موقعیت معلول

مجموعه دیدگاه های نظری یاد شده، بر آنند که ظهور و انتشار ویروس کرونا معلول عملکردهای انسان در عرصه های اقتصادی و سیاسی (نظام از دیدگاه هابرماس) است که با جریان های جهانی شدن به سراسر عالم گسترش پیدا کرده است. برخی عوامل بیماری زا دقیقاً از مراکز تولید ظهور می کنند و مانند ویروس کرونا در خط مقدم تولید سرمایه به وجود می آیند. حداقل ۶۰ درصد از عوامل جدید بیماری زای انسانی با سرریز کردن از جانوران وحشی به اجتماعات انسانی محلی پدیدار می شوند (David Mallincks, 2011). به نقل از والاس، ۱۳۹۹: ۶۷).

اقتصاد و سرمایه داری جهانی با کشاورزی تجاری و قطب های منطقه ای برای کالاهای کشاورزی به صورت جهانی عمل می کند. در نتیجه پویایی های امراض جنگلی، منابع دیرین عوامل بیماری زا، دیگر تنها محدود به مناطق داخل کشورها نیستند. اپیدمیولوژی های مرتبط با آن ها خودشان به صورت رابطه مند درآمده اند و در پهنه زمان و مکان ظاهر می شوند. به عقیده برخی محققین کشاورزی و تجارت، گسترش جهانی شدن نقش پیشران را در انتقال بین المللی عوامل بیماری زا از خاستگاه اولیه به سایر نقاط جهان ایفا می کند. این خاستگاه ها، زنجیره غذایی طولانی و جنگل زدایی های وسیع مجاور در یک «جغرافیای

رابطه‌مند» موجب می‌شود عوامل بیماری‌زای مشترک انسان و جانوران که به زنجیره غذایی وارد می‌شوند متنوع‌تر و عمیق‌تر شوند. از نظر منتقدین نئولیبرلسیم اقتصادی، اپیدمی‌هایی از این نوع زاییده گسترش این تفکر (تفکر جهانی شدن) و فناوری‌های توسعه‌دهنده آن است که با نابودی پیچیدگی و تنوع زیست‌محیطی، سلامت زیست‌بوم‌ها^۱ را از بین می‌برند؛ بنابراین عوامل بیماری‌زا مانند ویروس کرونا را باید در حوزه روابط زیست‌بومی جستجو کرد که سرمایه و دیگر عوامل ساختاری (همان مفهوم نظام در نزد هابرماس) آن را تسخیر و مغلوب کرده است که به‌نوعی مفهوم از خود بیگانگی مارکس را به ذهن متبادر می‌کند. والاس در این باره بیان می‌کند که: اگر بیگانگی سرمایه را واشکافی کنیم، شاهد پشتیبانی از عوامل بیماری‌زا هستیم. در حالی که منفعت عمومی در پشت دروازه مزرعه و کارخانه مواد غذایی متوقف می‌شود، عوامل بیماری‌زا از سد امنیت زیستی (غذایی) که صنعت مایل به تقبل هزینه‌های آن است، عبور می‌کند و به عموم مردم معطوف می‌شود. تولید روزمره بازنمود قمار اخلاقی پرسودی است که اشتراکات بهداشتی و سلامتی ما را دچار فرسایش کرده و به تحلیل می‌برد (والاس و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۲).

۲/۵. تحلیل موضوع در چارچوب نظری هابرماس - نظام و زیست جهان

هابرماس از اندیشمندان اجتماعی منتقد نظام سرمایه‌داری است (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۹۶). وی در نقد جامعه سرمایه‌داری معاصر و تحلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی از دو اصطلاح «نظام»^۲ و «زیست جهان»^۳ استفاده می‌کند. او مفهوم نظام را از دستگاه نظری دستگاه‌های اجتماعی پارسونز و لومان و مفهوم زیست‌جهان را از پدیدارشناسی شوترز اخذ کرده است. در نزد شوترز اصطلاح «زیست جهان» اشاره به جهان زندگی روزمره دارد. شوترز عمدتاً به روابط میان ذهنی درون زیست جهان می‌پردازد. در حالی که هابرماس این اصطلاح را «ارتباطات میان شخصی» در نظر می‌گیرد که درون زیست‌جهانی روی می‌دهد و به لحاظ آرمانی^۴، ارتباط بدون محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی را به صورت باز و آزاد بازنمایی می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۲۴). قبل از ارائه نظریه هابرماس لازم به یادآوری است که دیگر صاحب نظرانی که از دیدگاه‌های آنان در تحلیل مسئله کرونا استفاده شد، همه مؤخر بر هابرماس هستند، فارغ از ارتباطشان با هابرماس به‌نوعی در گرایش فکری و نظری او سهیم می‌باشند و به‌نوعی میراث‌دار

خط فکری و سیاسی او هستند. کماینکه افرادی چون هاروی، بک، ژیرک، والاس و دیگران منتقد نظام سرمایه‌داری و سازوکار اقتصادی - سیاسی موجود در آن هستند. لذا دستگاه نظری هابرماس بر دیدگاه آنان نیز بار می‌شود، هرچند که آنان اصطلاحات موردنظر هابرماس را به کار نبرده باشند؛ اما اطلاعاتی که از وضعیت موجود نظام (اقتصادی - سیاسی) در حال حاضر در مورد جامعه (جهانی) ارائه می‌دهند و نمونه‌های آرمانی‌ای را که طرح می‌کنند تا حد زیادی منطبق بر دستگاه نظری هابرماس است. حُسن اضافه‌ای که دیدگاه‌های جدید بر اندیشه‌های هابرماس دارند، توجه خاص آنان به موضوع محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی است. به این ترتیب، توجه به مسائل زیست‌محیطی و طرح موضوع طبیعت به‌طور مستقل و قرار دادن آن در چارچوب نظری هابرماس، نظریه او را تکمیل و به‌روز می‌کند. هاروی در تأیید این استدلال می‌افزاید: «من همواره مخالف ایده طبیعت به‌عنوان چیزی بیرون از فرهنگ، اقتصاد و زندگی روزمره بوده‌ام و نگرشی دیالکتیکی و نسبی از ارتباط متابولیک با طبیعت دارم. سرمایه شرایط زیست‌محیطی بازتولید خویش را دگرگون می‌کند، اما همراه با ایجاد پیامدهایی غیرعمدی (مانند تغییرات آب و هوایی) و نیروهای تکاملی خودمختار و مستقل (که به‌طور مستمر شرایط محیط زیستی را تغییر می‌دهند). از این منظر بلائی‌ای حقیقتاً طبیعی به‌هیچ‌وجه وجود ندارد» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۱). در این بیان به‌خوبی ارتباط بین مسائل زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مشاهده می‌شود.

از دیدگاه نظری هابرماس منشأ «نظام» درون زیست جهان است؛ اما به تدریج، ساختارهای متمایز خود را از قبیل دولت، اقتصاد با زبان قدرت و پول بسط می‌دهد. گسترش و بسط این نهادها دوری آن‌ها از زیست جهان (با زبان کنش ارتباطی) را به دنبال دارد. عقلانیتی متفاوت از عقلانی شدن زیست جهان (عقلانیت ارتباطی) بر عقلانیت (ابزاری) نظام حاکم می‌شود (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۲۵). در پی بیان صریح کرایب در خصوص تعلق هابرماس به اردوگاه مارکس، ریترز نیز به بخشی از تقارن دیدگاه‌های تحلیلی آن دو می‌پردازد. تقارن دیگر نیز میان مارکس و هابرماس و مبناهایشان وجود دارد. در مورد هر دوی آن‌ها این مبناهای نه‌تنها نقطه شروع تحلیل‌هایشان را باز می‌کند، بلکه هدف‌های سیاسی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد. به این معنا که در حالی که هدف مارکس ایجاد یک جامعه کمونیستی بود که در آن کار تحریف‌نشده (انسانی) برای نخستین بار به وجود آید، اما هدف سیاسی هابرماس جامعه‌ای است که در آن ارتباط تحریف‌نشده (کنش ارتباطی) برقرار گردد. از جهت هدف‌های فوری، مارکس خواستار

حذف موانع (سرمایه‌داری) موجود بر سر راه کار تحریف نشده بود، ولی هابرماس به رفع موانع موجود بر سر راه ارتباط آزاد و رها از محدودیت‌های نظام است (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۱۲). لذا، بخشی از مفهوم زیست‌جهان هابرماس همان «کنش ارتباطی» است که در جهت تحقق آرمان اجتماعی مارکس، از طریق اصلاح ارتباط نه ایجاد انقلاب، مطرح و دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد طرح کنش ارتباطی به عنوان یک مفهوم محوری در زیست‌جهان اصطلاح مکانیسم‌های ارتباطی در تفکر، بینش و نگرش افراد، بخش‌ها و گروه‌ها نسبت به یکدیگر، برای تحت تأثیر قرار دادن و اصلاح نظام است. این سازوکار راهی به سوی عقلانی کردن نظام و برگرداندن آن از عقلانیت ابزاری و به هم رساندن نظام و زیست جهان است. اولویت قائل شدن برای کنش ارتباطی، یک سلسله پیامد به همراه دارد. نخست آنکه با این تعبیر، عقلانیت، آرمانی نیست که از آسمان افتاده باشد، بلکه در خود زبان ماست و در بردارنده نوعی نظام اجتماعی فراگیر و دموکراتیک است که هدفش رسیدن به توافق است نه اعمال سلطه (کرایب، ۱۳۸۲: ۳۰۰). حال می‌توان پرسید که زیست جهان چیست و دارای چه عناصری است که ترویج کنش ارتباطی در آن می‌تواند بر نظام و ابعاد آن همچون تولید، حکومت، مدیریت و حفظ طبیعت تأثیرگذار باشد؟

«زیست‌جهان مجموعه‌ای از مهارت‌ها، توانش‌ها و معرفت‌ها است که افراد جامعه از آن برای تبادل نظر درباره شیوه‌های زندگی روزمره، تعامل با سایرین و نهایتاً خلق و حفظ روابط اجتماعی استفاده می‌کنند (ادگار، ۱۳۹۶: ۱۴۰). هابرماس اصطلاح زیست‌جهان را برای تأکید بر توانایی اعضای جامعه به عنوان کنشگران اجتماعی به کار می‌برد و نه قدرت اجباری جامعه بر افراد آن‌چنان که آدرنو آن را «جامعه اداره شده» می‌خواند. نظام، قدرتی اجباری انگاشته می‌شود. درون مایه عقلانی کردن زیست جهان و نظام، تغییر بینش‌ها و نگرش‌ها است؛ این دو رابطه‌ای تنگاتنگ و کارکردی با یکدیگر دارند.

همان‌طور که ذکر گردید، در این باره اسنودن معتقد است که هر جامعه‌ای آسیب‌پذیری خاص خود را به بار می‌آورد. مطالعه اپیدمی، مطالعه ساختار جامعه است، اعم از الگوی معیشت یعنی اقتصاد و الگوی سیاست که طبیعت را به مسئله منافع پیوند می‌دهد. این همان نظام عقلانی شده (به شکل ابزاری) مجزا و به دور از زیست جهان است. «اپیدمی‌هایی مانند کرونا روابط اخلاقی ما را نسبت به یکدیگر در مقام انسان نشان می‌دهند که امروزه نظاره‌گر آن هستیم. باید تغییری بنیادین در ذهنیت ما ایجاد

1. Communicative action
2. Managed society

شود. باید به این بیندیشیم که به منزله نوع انسان با یکدیگر کار کنیم (کنش ارتباطی داشته باشیم). باید برای مراقبت از یکدیگر ساماندهی بشویم تا بفهمیم که سلامتی و بهروزی همه افراد به هم وابسته است» (اسنودن، ۱۳۹۹: ۱۱۵-۱۱۳).

۳/۵. کرونا، انتقام طبیعت در مقابل عملکرد نظام

جمله آخر اسنودن در عبارت بالا اصطلاح فلسفی - اجتماعی «خود تنها انگاری»^۱ را به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی انسان گمان کند جز خودش چیزی در جهان نیست. مفهومی که در ادبیات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی با عنوان «قوم‌محوری»^۲ و «خودمحوری»^۳ بیان می‌شود. این‌گونه اخلاق در چارچوب کنش ارتباطی هابرماس قابل فهم است. از نظر هابرماس ارتباط باز و آزاد به معنای «عقلانی شدن ارتباط» درون زیست‌جهان است. عقلانیت درون مرزهای زیست‌جهان و ارتباط معنایی مثبت دارد. آن‌هایی که با یکدیگر به کنش متقابل می‌پردازند، به لحاظ عقلانی ترغیب می‌شوند تا ارتباط باز و آزاد برقرار کنند و به فهم متقابل برسند. در این فرایند روش‌های عقلانی برای رسیدن به اجماع به کار گمارده خواهند شد. هنگامی که مباحثه بیشتر پیروز شود اجماع رخ خواهد داد و فهم حاصل خواهد شد. در اینجا اصل بر برهان است نه قدرت (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۲۴). در قالب چارچوب نظری هابرماس و استعمار زیست‌جهان توسط نظام، محیط زیست هم توسط میراث‌داران فکری او جزو موضوعات حیاتی مطرح در زیست‌جهان است که توسط نظام (سرمایه‌داری) استعمار شده است. هاروی یکی از این صاحب‌نظران است، در این باره استدلال می‌کند، «اگر بخواهم برای طبیعت شخصیت انسانی و استعاری قائل شوم، نتیجه می‌گیرم که کووید-۱۹ انتقام طبیعت، به خاطر بیش از چهل سال سوء رفتار متجاوزانه و شرم‌آور با آن توسط بهره‌کشی نئولیبرال وحشی بی‌قاعده است» (هاروی، ۱۳۹۹: ۳۴). اگر بخواهیم همچون هابرماس به قضیه بنگریم، هاروی و همفکران او ریشه این اختلال‌ها، ناگواری‌ها و عصیان طبیعت را به حاکمیت و غالبیت «نظام» و استعمار «زیست‌جهان» توسط آن ارجاع می‌دهند. یکی از مکانیسم‌های این استعمار تحمیل الگوی مصرف‌گرایی افراطی بر جامعه است. تداوم این الگو سرانجام به استعمار زیست‌جهان و محیط زیست منجر می‌شود. موضوعی که در نظام سرمایه‌داری نئولیبرال به عنوان چرخه تولید - مصرف شهرت

1. Solipsism
2. Ethnocentrism
3. Egoism

یافته است. آلن اشنایبرگ^۱ در این باره استدلال می‌کند آسیب زیست محیطی صرفاً محصول صنعتی‌شان نیست بلکه مشکل اجتناب‌ناپذیر، اقتصادهای بازاری سرمایه‌داری رقابتی است که در آن سود نیروی محرک است. علتش این است که چنین اقتصادهایی، ساختاری ایجاد می‌کنند که از شرکت‌ها می‌خواهد برای به دست گرفتن بازار و کسب سود با هم به رقابت شدید بپردازند. علاوه بر این به آن‌ها فشار وارد می‌کند که دائماً گسترش یافته و رشد یابند و تنها در برابر رقبایشان بایستند. اشنایبرگ، این اجبار برای گسترش و رشد را «چرخه تولید» می‌نامد. این گونه فشارها موجب فقدان دغدغه برای حفاظت محیط‌زیست می‌شود؛ چنانچه تولید سرمایه‌داری صنعتی، جوامع را در مسیر یک چرخه تولید جهت تخریب محیط زیست قرار دهد، مصرف‌گرایی مدرن کمک می‌کند سرعت چرخه تولید در این مسیر حفظ شود (Beel, 2011).

مصرف‌گرایی را می‌توان شیوه تفکر، ذهنیت یا حتی ایدئولوژی دانست (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۲۲). این مکانیسم استعمار زیست جهان توسط نظام را تداعی می‌کند. نظام اقتصادی‌ای که خود را بر جامعه و شیوه زندگی مردم و ارتباطات و اندیشه‌های آنان تحمیل کرده است. هاروی می‌افزاید، مصرف‌گرایی معاصر به اندازه‌ای افراطی شده است که در آستانه چیزی قرار گرفته است که مارکس آن را «مصرف‌گرایی افراطی و جنون‌آمیز و تبدیل آن به موجودی غریب و هیولوار که نشانه‌ای بر سقوط کل نظام است» توصیف کرده بود. بی‌پروایی از مصرف‌گرایی افراطی نقش اصلی را در تخریب محیط زیست بازی می‌کند (هاروی، ۱۳۹۹: ۴۰).

والاس اذعان می‌کند تخریب زیست کره به دست نظام صورت می‌پذیرد. وی پیدایش ویروس‌هایی چون کرونا را در همین راستا تحلیل می‌کند. کشاورزی تجاری آن‌چنان بر کسب سود متمرکز شده است که اهمیتی به انتشار ویروسی که ممکن است جان میلیاردها نفر را به مخاطره اندازد، نمی‌دهد. برای کاهش شیوع ویروس‌های نوظهور، تولید مواد غذایی باید به شکل بنیادی تغییر کند. خودمختاری کشاورزان و بخش دولتی قوی (منظور دولت دموکراتیک حامی مردم) می‌تواند محیط زیست را بهبود ببخشد و عفونت‌های افسارگسیخته را مهار کند. مرسوم کردن تنوع کشاورزی و دامپروری و بازپس‌گیری استراتژیک زمین‌های تغییر کاربری داده شده و ... باید به کشاورزی تجاری، به مثابه شیوه‌ای از بازار تولید اجتماعی، فیصله داد. تولید به شدت سرمایه‌محور مواد غذایی، به روش‌هایی وابسته است که کل بشریت را به خطر

می‌اندازد. نخستین گام، درآمیختن دوباره تولید مواد غذایی و نیازهای جوامع روستایی را طلب می‌کند. این امر به روش‌های «کشاورزی بوم‌شناسانه» نیاز دارد که از محیط زیست و کنشگران آن محافظت کند (والاس، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۶).

رگه‌هایی از مفهوم «ازخودبیگانگی» مارکس و نقش ایدئولوژی در آن در اندیشه‌های صاحب‌نظران مطرح در این نوشتار مشاهده می‌شود. اینان معتقدند بافهم، دانش و تفاهم در کنش متقابل این ایدئولوژی استعماری (استعمار نظام از زیست جهان) مرتفع می‌شود؛ تا حدی که از آن به عنوان یک گذار تعبیر می‌شود. گذار بزرگ بعدی بشریت باید «بیگانگی زدایی» باشد؛ رها کردن ایدئولوژی‌های استعماری، بازگرداندن بشر به چرخه‌های نوزایی زمین و کشف مجدد شمس ما از فردیت در کثرت، فراسوی سرمایه و دولت (Ernest Mendel, 1970 به نقل از والاس، ۱۳۹۹: ۷۷). مشابه چنین تعبیری از اسلاوی ژئوپلیک مشاهده می‌شود. او استدلال می‌کند یکی از پیامدهای انتشار ویروس کرونا تغییر در ایدئولوژی و بینش و نگرش نسبت به سلطه دولت - ملت است. گسترش روزافزون اپیدمی ویروس کرونا، اپیدمی گسترده‌ای از ویروس‌های ایدئولوژیک را برانگیخته است که در جوامع ما نهفته بودند، ویروس‌هایی همچون اخبار جعلی، تئوری‌های پارانوایی، توطئه و غلیان نژادپرستی. در این میان شاید ویروس ایدئولوژیک سودمندی هم گسترش یابد و امیدوارم که به ما هم سرایت کند. ویروس اندیشیدن درباره «جامعه آترناتیو»، جامعه‌ای فراسوی دولت - ملت‌ها، جامعه‌ای که خود را در قالب همبستگی و همکاری جهانی تحقق می‌بخشد (ژئوپلیک، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی واکاوی دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جدید ارائه شده در خصوص شیوع ویروس کرونا و آثار مترتب بر آن بود که دو ویژگی داشتند: یکی اینکه مسائل زیست‌محیطی مرکز مباحث آنان بود و این مسائل را با مسائل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مرتبط می‌دانند. دوم اینکه اغلب اندیشمندان کم‌وبیش در پارادایم انتقادی نظام اقتصادی - سیاسی نئولیبرالیسم قلم می‌زنند و به نوعی بر اصلاح آن (نظام به معنای هابرماسی)، از طریق تغییر در بینش‌ها و نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها اتفاق نظر دارند. این دو ویژگی به تناسب محتوای مقاله به دو واژه کلیدی عنوان مقاله یعنی زیست‌کره (ویژگی اول) و زیست‌جهان (ویژگی دوم) اشاره دارد.

1. Ageroecological
2. Disalienation

اطلاعات و نظریات هر یک از صاحب نظران صاحب‌خبر (واجد اطلاعات) به روش اسنادی از اسناد و منابع کتبی گردآوری شد و در قالب نظریه یا چارچوب تحلیلی هابرماس در نظریه‌کنش ارتباطی با دستگاه تحلیلی «نظام- زیست جهان» مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. نظریه‌های افرادی چون اولریش بک، دیوید هاروی، فرانک اسنودن، اسلاوی ژیژیک، راب والاس و برخی دیگر در این خصوص، حاکی از آن است که در جریان حاکمیت تفکر اقتصادی نئولیبرالی، بینش مادی‌گرایانه و سودپرستانه فزون طلب سرمایه‌داری، بین زیست کره و زیست‌جهان جدایی انداخته و هر دو را تحت استعمار نظام قرار داده است. رستاخیزی که شیوع ویروس کرونا در جهان از شرق تا غرب عالم از کشورهای فقیر تا غنی، کوچک و بزرگ ایجاد کرده، بیشتر از جنس بینش و نگرش به جهان، محیط زیست و کنش ارتباطی است.

تحلیل‌های نظری و علمی ارائه شده در این مقاله شامل حال ایران هم می‌شود. به این معنا که تفکر نئولیبرالیستی اقتصادی و اصالت سود و سرمایه نه به‌طور کلاسیک و نظام‌مند و منسجم بلکه به‌صورت پراکنده، منقطع و ناقص در دهه‌های اخیر از طرف نظام (به معنای هابرماسی) اجرا گردیده و تا حدی در زیست جهان تأثیر منفی گذاشته است. به‌طوری که شواهد نشان می‌دهد، در ایران از یک‌سو نظام بهره‌برداری اقتصادی - سیاسی با منش‌های استراتژیک تعدی به حقوق طبیعت اعم از زمین‌خواری، تخریب محیط‌زیست، آلودگی‌های مختلف زیست‌محیطی را به دنبال داشته است. از طرف دیگر آلودگی‌های اجتماعی اعم از تجاوز به حقوق دیگران، محدودیت جامعه مدنی و ضعف کنش ارتباطی در جامعه، اعم از تجاوزهای مالی و اختلاس‌های خرد و کلان تا زیست جهان در ایران در سلطه یا تحت استعمار نظام قرار بگیرد.

ایران هم خواه‌ناخواه عضوی از جامعه جهانی است. قطعاً در جریان جهانی‌شدن تأثیرهایی از آن می‌پذیرد. نمونه آن انتشار ویروس کرونا است که منشأ آن به مکانی در کشور پهناور چین برمی‌گردد. ارتباطات جهانی به‌ویژه برای مبادلات اقتصادی و کسب سود و تجارت و جهانگردی در این مورد خاص با کشور چین، زمینه شیوع آن را در جامعه ایران فراهم نمود. این خود نمونه‌ای است از بینش سودگرایانه نئولیبرالیستی که از سوی شرکت‌های فرامرزی اعمال می‌شود. نتایجی که از این مقاله به دست می‌آید نشان‌دهنده آن است که قرار گرفتن در جریان جهانی‌شدن اجتناب‌ناپذیر است. شیوع ویروس کرونا برای همه جوامع این آموزه را می‌تواند به دنبال داشته باشد که نگرش جدایی طبیعت از جامعه و فرهنگ، به دوره بعد از انقلاب صنعتی و احساس تسلط

انسان (جامعه) بر طبیعت تعلق دارد. در جوامع امروزی به تدریج نگرش دیالکتیکی از ارتباط متابولیک با طبیعت جایگزین آن می‌شود. هاروی هم در همین راستا استدلال می‌کند که بلا یای حقیقتاً طبیعی به هیچ وجه وجود ندارد و برای طبیعت شخصیت قائل است. همان‌طور که مارکس چنین نگرشی داشت و طبیعت را کالبد غیرارگانیک بشر توصیف می‌کرد (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۰۲؛ هاینگن، ۱۳۹۳: ۲۲). در نخستین آثار مارکس، مفهوم «انسانی کردن طبیعت» مطرح شده است. بدین معنا که انسان‌ها باید درک جدیدی از طبیعت و همدلی با آن را شکل دهند (هانینگن، ۱۳۹۳: ۲۱). یکی از یافته‌های مهم از مباحث این مقاله، تغییر در بینش و نگرش جدایی جامعه از طبیعت است که به نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بعد از انقلاب صنعتی و دوره روشننگری تعلق داشت. فرا رفتن از دوگانگی و تمایز فرهنگ/ طبیعت و ربط دادن و نزدیک کردن طبیعت و جامعه به هم (Murdoch, 2001 به نقل از هانینگن، ۱۳۹۳: ۷۲). از نتایج انتشار ویروس کرونا است. نتیجه دیگری که از نظریه هابرماس بر اساس اطلاعات و نظریات اندیشمندان زیست محیط محور برمی‌آید (همان‌طور که هاروی و ژیزیک مطرح کردند) شکل‌گیری گفتمان‌های زیست محیطی برای غنی‌تر کردن و عقلانی کردن زیست جهان است. شکل‌گیری نگرش جدید در زیست جهان در مقام نظر رسیدن به یک جهان حیاتی باز، آزاد و دموکراتیک برای ایران و جهان متصور است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- احمدی، یعقوب، علی پور، پروین و مرجائی، سیدهادی (۱۴۰۲). ترومای کرونا: از بیماری تا فاجعه در مناطق کم‌برخوردار (مورد مطالعه: شهر سنندج)، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲(۱)، ۲۶-۵۴. 10.22059/JISR.2022.342434.1300
- ادگار، اندرو (۱۳۹۶). مفاهیم کلیدی در اندیشه هابرماس، ترجمه محمد رضا غلامی، انتشارات دنیای اقتصاد.
- اسکندریان، غلامرضا (۱۳۹۹). ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی). ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا، ۱(۱)، ۶۵-۸۵. sid.ir/paper/524156/fa/
- اسنون، فرانک (۱۳۹۹). اپیدمی و تغییر تاریخ، ترجمه شیرین کریمی، مجموعه مقالات کرونا از منظر اقتصاد سیاسی، ناشر، نقد اقتصاد سیاسی.
- بدیو، آن (۱۳۹۹). در مورد وضعیت اپیدمی، ترجمه مریم وحدتی، برگرفته از سایت علمی Problematicaa.com (مندرچ در کتاب کرونا از منظر اقتصاد سیاسی، ۲۰۲۰). آدرس الکترونیکی: <https://www.versobooks.com/blogs/epidemic-situation>
- جلالی، محمدرضا (۱۳۹۹). کرونا و جراحی روانی: تحلیلی روان‌شناختی از عارضه کرونا در ایران، در کرونا و جامعه ایران: سویه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسنی رنجبر هرمزآبادی، علی (۱۴۰۰). تاثیر عوامل ناشی از بیماری کرونا بر اقتصاد جهانی و بازارهای بین‌المللی، مجله مدیریت برند آفرین، ۲(۲۴)، ۱۳-۱.
- داسمن، ریموند فردریک (۱۳۷۷). زمین در خطر است، ترجمه محمود بهزاد، انتشارات امیرکبیر.
- ریترز جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- ریترز جورج، (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر ثالث.
- زارع گاوگانی، وحیده (۱۳۹۹). شیوع اطلاعات نادرست در بحران جهانی کرونا ویروس، تصویر سلامت، ۱۱(۱)، ۱۵-۹. sid.ir/paper/265181/fa/
- ژیک، اسلاوی (۱۳۹۹). تصمیمی که کرونا بر ما تحمیل کرد، ترجمه صالح نجفی، راشاتودی. Thesis11.com.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت.
- سبکتکین، قربانعلی ریزی؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ حق‌ندری، ایرج، شیوندی، کامران و سیدی، فرانک (۱۴۰۲). پیامدهای اجتماعی آشوب اطلاعاتی در ایران پسا کرونا، مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۲)، ۲۰۱-۲۲۵. 10.61186/jspi.14.2.201
- سوری حسین، نوری فرد مرضیه و صابر آریامنش (۱۳۹۹). بررسی وضعیت سلامت روانی کاربران شبکه‌های اجتماعی در دوره شیوع بیماری کووید-۱۹، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۴(۸)، ۲۱-۲۹. 10.29252/qums.14.8.21
- شاهد حق قدم، هاله و همکاران (۱۳۹۹). پیامدها و مداخلات روان‌شناختی در پاندمی کووید ۱۹، مجله مطالعات طب دریا، ۲(۱)، ۱۱-۱. 10.30491/2.1.7

صولتی، مهران (۱۴۰۰). کرونا به مثابه بحران؛ معرفی کتاب آشوب؛ نقاط عطف برای کشورهای بحران زده، مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۲۳۱-۲۳۹. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.53244.2453>

عسگری، محمد، چوبداری، عسگر و حسین اسکندری (۱۴۰۰). واکاوی تجارب زیسته افراد مبتلا به بیماری کرونا در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی و راهکارهای پیشگیری و کنترل آسیب‌های روانی ناشی از آن، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۲(۴۵)، ۵۲-۳۳.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.53244.2453>

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). مردم‌نگاری کرونای ایرانی، در کرونا و جامعه ایران؛ سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فروتن کیا، فرزین و نواح، عبدالرضا (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی محیط زیست، انتشارات جامعه‌شناسان.

کریب، یان (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، نشر آگاه.

کوتینز، ایزاک (۱۳۹۹). چگونه بیماری‌های عالم‌گیر، تاریخ را تغییر می‌دهند. (گفتگو با فرانک ام. اسنودن)، ترجمه علی کاظمیان، زهرا شوشتری و نگین نژادعلی. سایت ایران آنلاین: <http://www.ion.ir/news/552725>

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، ۳(۱۱)، ۱۱۶-۸۷.

مختاری، پریسا، معزی بهناز و علی منتظری (۱۳۹۹). ویروس کرونا و مواجهه بیش از حد اطلاعاتی، نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ویژه‌نامه کرونا ویروس، ۱۹(۳)، ۳۴۹-۳۵۳.

[//sid.ir/paper/23241/fa](http://sid.ir/paper/23241/fa)

مشهدی، علی (۱۴۰۱). تحلیل شیوع بیماری کووید ۱۹ از منظر حقوق محیط زیست، تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه حقوق و کرونا)، ۲۵(۲)، ۱۸۱-۲۰۵. [JLR.2022.226836.2174/10.29252](https://doi.org/10.226836.2174/10.29252)

معیدفر، سعید (۱۳۹۹). کرونا، فرصتی برای بر ساخت مسئله اجتماعی، در کرونا و جامعه ایران؛ سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ملکیان، منصوره (۱۳۹۹). فرصت‌ها و تهدیدهای ویروس کرونا برای محیط زیست، ره یافت، ۳۰(۷۹)، ۶۳-۷۶. [//sid.ir/paper/952557/fa](http://sid.ir/paper/952557/fa)

متی، حسین (۱۳۹۹). بررسی اثرات ویروس کرونا کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی، (ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا- کووید ۱۹)، ۱(۲)، ۱۶۳-۱۸۱. sid.ir/paper/524158/fa/

میری، سیدجواد (۱۳۹۹). کرونا را باید نقطه عطف جهان دید، جوان آنلاین: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱. <https://www.javanonline.ir/004BuM>.

نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر.

هانینگن، جان (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت.

هاروی، دیوید (۱۳۹۹). سیاست ضد سرمایه‌داری در زمانه کرونا، ترجمه پریسا شکورزاده، تهران، نشر نی.

- Asgari, Mohammad, Chowdari, Asgar and Hossein Eskandari (2020). Analyzing the lived experiences of people suffering from corona disease in personal, family and social relationships and strategies to prevent and control mental injuries caused by it, *Cultural Counseling and Psychotherapy Quarterly*, 12(45), 52-33.[in parsian].
- Ahmadi, Yaqoub, Alipour, Parveen and Marjaei, Seyyed Hadi (2023). Corona trauma: from disease to disaster in underprivileged areas (case study: Sanandaj city), *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 12(1), 26-54. [in parsian]
- Badiou, Alan (2019). *Regarding the epidemic situation, translated by Maryam Vahdati, taken from the scientific site Problematikka.com* (included in the book Corona from the perspective of political economy, 2020.[in parsian]
- Beck, U (1996). *World Risk Society as Cosmopolitan Society*, Polity press: Cambridge.
- Bell, K (2011). Environmental justice in Cuba, *Critical Social Policy*, volume 31.pp 36-49.
- Blatt, Gold (1997). *the Globalization of Environmental Risks*, Polity Press: Cambridge.
- Dasman, Raymond Frederick (1998). *The Earth is in danger, translated by Mahmoud Behzad*, Amirkabir Publications.[in parsian]
- Edgar, Andrew (2016). *Key Concepts in Habermas's Thought, translated by Mohammad Reza Gholami*, World Economic Publishing House.[in parsian]
- Eskandrian, Gholamreza (2019). Evaluating the consequences of the corona virus on lifestyle (with an emphasis on the cultural consumption pattern). *Special report on the consequences of the spread of the corona virus*, 1(1), 65-85.[in parsian]
- Fazli, Nematullah (2019). *Ethnography of Iranian Corona, in Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication.[in parsian]
- Fortun Kia, Farzin and Navah, Abdolreza (2015). *Environmental Sociology*, Sociologists Publications.[in parsian]
- Giddens, Anthony (1990). *the Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity Press.
- Golmohammadi, Ahmed (2001). *Globalization, Culture and Identity*, Tehran, Ney Publishing.[in parsian]
- Golmohammadi, Ahmed (2011). A look at the concept and theories of globalization, *National Studies Quarterly*, 3(11), 116-87.[in parsian]
- Harvey, D (1989). *the Candition of Postmodernity*. Black Well:Oxford.
- Hosni Ranjbar Hormazdabadi, Ali (2020). The impact of the factors caused by the corona disease on the global economy and international markets, *Brandafarin Management Journal*, 2(24), 1-13.[in parsian]
- Goldsmith, Edward (1998). *the great V-turn: De-Industrializing Society*. Green books, London.
- Hannigan, John (2013). *Environmental Sociology*, translated by Sadegh Salehi, Samt Publications.[in parsian]

- Harvey, David (2019). *Anti-capitalist politics in the era of Corona*, translated by Parisa Shakurzadeh, Tehran, Ney Publishing. **[in parsian]**
- Jalali, Mohammadreza (2019). *Corona and mental injury: a psychological analysis of the complication of Corona in Iran*, in *Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication. **[in parsian]**
- Robertson, Roland (1992). *Globalization*, London: Sage publication.
- Kraib, ian (2012). *Modern social theory*, from Parsons to Habermas, translated by Abbas Mokhbar, Nashagah. **[in parsian]**
- Kutins, Isaac (2019). *How global diseases change history*. (Interview with Frank M. Snowden), translated by Ali Kazemian, Zahra Shushtri and Nagin Nejad Ali. Iran online website: <http://www.ion.ir/news/553725>. **[in parsian]**
- Malekian, Mansoura (2019). Opportunities and threats of the corona virus for the environment, *Rehiyafit*, 30(79), 63-76. **[in parsian]**
- Mashhadhi, Ali (2021). Analysis of the spread of the disease of covid 19 from the perspective of environmental law, *legal research* (Special Law and Corona), 25(2), 181-205. **[in parsian]**
- Menati, Hossein (2019). Investigating the effects of the corona virus covid 19 on the global economy, evaluating the social effects, (*Special report on the consequences of the spread of the corona virus-covid 19*), 1(2), 163-181. **[in parsian]**
- Miri, Sidjavad (2019). *Corona should be seen as the turning point of the world*, Javan Online: 31/01/2019: <https://www.javanonline.ir/004BuM>. **[in parsian]**
- Moaidfar, Saeed (2019). *Corona, an opportunity to create a social issue*, in *Corona and Iranian society; Cultural and social strains*, Research Institute of Culture, Art and Communication. **[in parsian]**
- Mokhtari, Parisa, Moazi Behnaz and Ali Montazeri (2019). Corona virus and exposure to information overload, Jihad Academic Health Sciences Research Institute, *special issue of Corona Virus*, Volume 19, Number 3, 353-349. **[in parsian]**
- Nash, Keith (2011). *Contemporary Political Sociology*, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Nash Kavir. **[in parsian]**
- Newby, Howard (2001). *sociology and the environment*, Cambridge, Polity Press.
- Ritters George (1995). *Sociological theories in the contemporary era*, translated by Mohsen Salasi, Scientific Publications. **[in parsian]**
- Ritters George, (2010). *The foundations of contemporary sociological theory and its classical roots*, translated by Shahnaz Mesmiparast, third edition. **[in parsian]**
- Sabkatkin, Ghorban Ali Rizi; Zakari Nasrabadi, Zahra; Haqndari, Iraj, Shivandi, Kamran and Sidi, Frank (2023). Social consequences of information chaos in post-coronavirus Iran, *Iranian Social Issues*, 14(2), 201-225. **[in parsian]**

- Shahid Haq Kadam, Halle et al. (2019). Psychological consequences and interventions in the covid-19 pandemic, *Journal of Maritime Medicine Studies*, 2(1), 1-11.[in parsian]
- Snowden, Frank (2019). Epidemic and change of history, translated by Shirin Karimi, collection of articles on Corona from the perspective of political economy, publisher, *political economic criticism*. [in parsian]
- Snowden, Frank, M (2010) From the black death to the present Epidemics and society, Yale University press.
- Solati, Mehran (2020). Corona as a crisis; Introduction of the chaos book; Milestones for crisis-stricken countries, *Iranian social issues*, 11(1), 231-239. [in parsian]
- Spinelli, M.; Lionetti, F.; Pastore, M. & Fasolo, M. (2020) Parents' Stress and Children's Psychological Problems in Families Facing the COVID-19. Outbreak in Italy. *Frontiers in Psychology*, 11, 1713.
- Sutton, Philip W. (2017). *Introduction to Environmental Sociology*, translated by Sadegh Salehi, Samt Publications. [in parsian]
- Suri Hossein, Nouri Fard Marzieh and Saber Aryamnes (2019). Investigating the mental health status of social network users during the outbreak of the Covid-19 disease, *Qom University of Medical Sciences Journal*. 14(8), 21-29. [in parsian]
- Zandifar, A., & Badrfam, R. (2020) Iranian mental health during the COVID-19 epidemic. *Asian journal of psychiatry*, 51, 101990.
- Zhang F, Shang Z, Ma H, Jia Y, Sun L, Guo X, et al. (2020). *High risk of infection caused posttraumatic stress symptoms in individuals with poor sleep quality: A study on influence of coronavirus disease (COVID-19) in China*. medRxiv.pp 1-13.
- Zare Gavagani, Vahidah (2019). The prevalence of misinformation in the global coronavirus crisis, *Health Image*, 11(1), 9-15. [in parsian]
- Zhong BL, Luo W, Li HM, Zhang QQ, Liu XG, Li WT, et al (2020). Knowledge, attitudes, and practices towards COVID-19 among Chinese residents during the rapid rise period of the COVID-19 outbreak: a quick online cross-sectional survey. *Int J Biol Sci* 2020; 16(10):1745-1752.
- Žižek, Slavi (2019). *The decision that Corona imposed on us*, translated by Saleh Najafi, Rashatoudi Thesis11.com. [in parsian]
- <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/zoonoses>: 29 July 2020.